مطالعه کیفی شیوه‌های مناسب فرزندپروری در فرهنگ ایرانی

◈ دکتر پیمان حاتمیان[۱*] ◈ دکتر کاظم رسول‌زاده طباطبایی[۲]

چکیده: امروزه این دیدگاه در میان متخصصان خانواده پذیرفته شـــده است که فرزندپروری به شدت تحت‌تأثیر فرهنگ و بافتار فرهنگی است، به‌گونه‌ای که بیشتر نظریه‌های مرتبط با فرزندپروری بر نقش مهـــم عوامل فرهنگی و اجتماعی در چگونگی تربیت فرزنـــدان تأکید دارند. بنابراین باتوجه به اهمیت مســـئله، پژوهش حاضر با هدف تحلیل کیفی شیوه‌های مطلوب فرزندپروری در خانواده‌های ایرانی انجام شـــده اســـت. مطالعهٔ حاضر از نوع طرح‌های کیفی بود که به روش تحلیل محتوا و به شـــیوهٔ نهفته در سال ۱۴۰۲ انجام شد. جامعهٔ هدف شامل ۷ نفر از متخصصان روان‌شناســـی، ۶ نفر از کارشناســـان مذهبی و ۸ نفر از والدین ایرانی (در مجموع ۲۱ نفر) بود. نمونه‌گیری به روش هدفمند انجام شـــد و مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته تا رسیدن به مرحلهٔ اشباع ادامه یافت. تحلیل یافته‌ها منجر به کشف ۶ طبقه اصلی و ۱۵ زیرطبقه شد. طبقات اصلی شـــامل فرزندپروری مبتنی بر صمیمیت و درک‌پذیری، مهرورزی، همراهی و حمایت، شناخت رشـــد فرزندان، داشـــتن برنامهٔ باثبات و تربیت و آموزش معنوی فرزندان است. نتایج پژوهش حاضر می‌تواند بستری مناسب را برای پر کردن خلأهای فرهنگی موجود در زمینهٔ فرزندپروری از دیدگاه متخصصان و خانواده‌های ایرانی فراهم آورد.

کلید واژگان: خانواده، شیوه‌های فرزندپروری، فرهنگ ایرانی

◉ تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۱/۴ ◉ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۳/۵

۱. استادیار، گروه روان‌شناسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه لرستان، خرم‌آباد، ایران (نویسنده مسئول)..... E-mail: hatamian.p@lu.ac.ir

۲. استاد گروه روان‌شناسی، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران.

مقدمه

امروزه بیشتر والدین در سراسر جهان با چالش تربیت مناسب فرزندان خود روبه‌رو هستند، که البته این مسئله از بدو تولد شروع شده و تا بزرگسالی ادامه می‌یابد. بی‌گمان رشد موفقیت آمیز کودک در گرو شناخت ابعاد مختلف تربیت و فرهنگ قاسم‌زاده است که در آن زندگی می‌کند (رشید و همکاران، ۱۳۹۶). نباید غافل بـود که ممکن است هر خانواده‌ای شیوه‌های خاصی را در تربیت فردی و اجتماعی فرزندان خویش به کار گـیرد. ایـن شـیوه‌ها که به منزلهٔ شیوه‌های فرزندپروری تعریف می‌شوند، متأثر از عوامل مختلفی از جمله عوامل فرهنگی، اجتماعی و مواردی از این دست هستند (بورنستین[1]، ۲۰۱۲). در دنیای کنونی رویکرد چند فرهنگی، همگان را به توجه و احترام بیشتر نسبت به ارزش‌ها و مفاهیم گوناگون نسبت به زندگی خانوادگی فرا می‌خواند (چراغی و ابراهیمی، ۱۳۹۷).

امروزه این دیدگاه در میان متخصصان خانواده پذیرفته شده است که فرزندپروری به شدت تحت‌تأثیر فرهنگ و بافتار فرهنگی است؛ به‌گونه‌ای که بیشتر نظریه‌های مرتبط با فرزندپروری بر نقش مهم عوامل فرهنگی و اجتمـاعی در چـگونگی تـربیت فرزندان تأکیـد دارند (نوویانتی[2] و همـکاران، ۲۰۲۳؛ لی[3] و همکاران، ۲۰۲۳؛ بورنستین، ۱۹۹۱). زمـانی‌که از نقش فرهنگ و تأثیر آن بر خانواده و شیوهٔ فرزندپروری سخن به میان می‌آیـد منظور، تأثیر جـلوه‌های مختلف فرهنگ است؛ جلوه‌هایی‌که نه‌تنها آداب و رسـوم، سـبک زنـدگی و باورهای اعتقـادی و مذهبی را در بر می‌گـیرد، بلکه مناسبـات، افسـانه‌ها، داستان‌ها، اشعـار، ضرب‌المثل‌ها را نیز شـامل می‌شـود (چراغی و ابراهیمی، ۱۳۹۷). نتایج پژوهش‌هـای مخـتلف نیز حاکی از آن است که باورهای فـرهنگی والدین و به تبع آن اهداف تربیتی و سبک‌های فرزندپروری آنها با توجه به تفـاوت‌های بین‌فرهنگی و درون‌فرهنگی در سامانهٔ معنایی، از فرهنگی به فرهنگ دیگر متفاوت است (هی[4] و همکاران، ۲۰۲۱). پژوهش‌ها نشـان می‌دهنـد که علت تفـاوت در سبک‌های فرزندپروری میان جوامع و گـروه‌های قومی مختلف، به تفاوت‌های فرهنگی در ارزش‌های تربیتی و معنای مؤلفه‌های اصلی فرزندپـروری بر می‌گـردد (راسل[5] و همکاران، ۲۰۱۰؛ کـروکت[6] و همکاران، ۲۰۱۰). هـونگ[7] و همکاران (۲۰۲۱) در پژوهشی چنین دریافتند که تفاوت سبک‌های فرزندپروری در کشورهای آسیایی با کشورهای آمریکایی قابل ملاحظه است. ژانگ[8] و همکاران (۲۰۱۷) در مطالعه‌ای که با هدف بررسی نقش فرهنگ در فرزندپروری در جامعهٔ چینی انجام

1. Bornstein
2. Novianti
3. Lee
4. He
5. Russell
6. Crockett
7. Hong
8. Zhang

دادند، دریافتند که فرهنگ و بافتار اجتماعی نقش مؤثری در شیوهٔ فرزندپروری دارند. نتایج برخی از مطالعات انجام گرفته در ایران هم نشان می‌دهد که ارزش‌ها، باورها، باید و نبایدها و دیگر شرایط اجتماعی می‌توانند چگونگی دیدگاه والدین و نیز شیوهٔ تربیتی آنها را تحت‌تأثیر قرار دهد (حلی‌ساز و همکاران، ۱۳۹۴؛ پناغی و همکاران، ۱۳۹۵).

در مجموع نظریه‌های مرتبط با فرزندپروری و پژوهش‌هایی که در حوزهٔ تفاوت‌های فرهنگی در زمینهٔ فرزندپروری انجام شده است، تأکید می‌کنند که فرهنگ، نقشی تعیین‌کننده در این باره دارد، چرا که بین جوامع مختلف از لحاظ اهداف و شیوه‌های تربیتی تفاوت وجود دارد و این تفاوت‌ها ناشی از ویژگی‌ها و نیازهایی است که جامعه خواستار آن است و آنها را تقویت می‌کند. به عنوان مثال در فرهنگ اروپایی، شیوهٔ فرزندپروری بیشتر سهل‌گیرانه و آزادمنشانه است، در حالی که شیوه‌های تربیتی در کشورهای آسیایی در بسیاری از مواقع توقع توصیف می‌شود، از طرفی در خانواده‌های آمریکای لاتین کنترل شدید والدین (به‌ویژه از سوی پدر) با محبت شدید مادر همراه می‌شود (هونگ و همکاران، ۲۰۲۱).

با توجه به ضرورت شناخت شیوه‌های فرزندپروری و درک مؤلفه‌های فرهنگی و اجتماعی جامعه‌ای که افراد در آن متولد شده و رشد می‌یابند، به نظر می‌رسد که این مسئله در فرهنگ ما کمتر مورد توجه و پژوهش علمی قرار گرفته است؛ بنابراین، مطالعهٔ حاضر در پی پاسخ‌گویی به این پرسش است که مؤلفه‌های مرتبط با شیوهٔ مناسب فرزندپروری در فرهنگ ایرانی کدام‌اند؟

روش‌شناسی پژوهش

پژوهش حاضر از نوع کیفی (روش تحلیل محتوا) و به شیوهٔ تحلیل نهفته انجام شده است. هدف از تحلیل محتوای نهفته، سازماندهی و استخراج معنا از داده‌های گردآوری شده و نتیجه‌گیری واقع‌بینانه از آن است. کریپندورف[1] (۲۰۰۴) تحلیل محتوای نهفته را به منزلهٔ «یک روش تحقیق برای انجام استنتاج‌های قابل تکرار و معتبر از متون و مصاحبه‌ها (یا سایر مطالب معنادار) در زمینه‌های مورد استفاده از آنها» تعریف می‌کند. جامعهٔ مورد مطالعه در این پژوهش شامل کارشناسان مذهبی، متخصصان روان‌شناسی و والدین ایرانی در سال ۱۴۰۲ بود. در گام اول با ۱۳ نفر از متخصصان و کارشناسان بر اساس سوابق علمی، پژوهشی و میزان سابقهٔ آنها در حوزهٔ خانواده و فرزندپروری مصاحبه نیمه‌ساختار یافته انجام شد و در گام بعدی با ۸ نفر از والدین نیز تا رسیدن به اشباع مصاحبه انجام شد (در مجموع ۲۱ مصاحبه). قابل ذکر است که نمونه‌گیری در پژوهش حاضر از نوع هدفمند بود. در نمونه‌گیری هدفمند که یکی از روش‌های نمونه‌گیری غیراحتمالی است، شرکت‌کننده‌ها بر اساس در دسترس‌بودن و نزدیکی به پژوهشگر انتخاب می‌شوند. منطق این نوع انتخاب این است که شرکت‌کننده‌های انتخاب شده، بیشترین میزان اطلاعات را بر اساس سؤال‌های

1. Krippendorff

پژوهش فراهم می‌آورند (پورسمر و همکاران، ۱۳۹۸). ملاک‌های ورود برای شرکت‌کنندگان (در بخش متخصصان) شامل داشتن مدرک دکتری تخصصی روان‌شناسی تربیتی، مشاوره خانواده یا تحصیلات حوزوی مرتبط بود. همچنین ملاک‌های ورود برای بخش دوم شرکت‌کنندگان (یعنی والدین) صرفاً داشتن حداقل ۲ فرزند بالای ۱ سال بود. از جمله ملاک‌های خروج در هر دو دسته از شرکت‌کنندگان، عدم پاسخ‌گویی به سؤالات تا زمانی که مصاحبه‌کننده به اقناع برسد و نیز عدم تمایل به ادامه روند مصاحبه بود. شایان ذکر است که زمان مصاحبه‌ها در محدودهٔ ۳۰ تا ۶۰دقیقه به‌طول می‌انجامید، که به‌طور میانگین برای متخصصان ۳۶دقیقه و برای والدین ۴۴ دقیقه بود.

چگونگی اجرای پژوهش به این صورت بود که در مرحلهٔ نخست، پس از شناسایی متخصصان و صاحب‌نظران در حوزهٔ مورد مطالعه و نیز والدین شرکت‌کننده، رضایت آگاهانه از هرکدام از آنها اخذ شد. در ادامه از شرکت‌کنندگان درخواست شد که اطلاعات جمعیت‌شناختی را در اختیار پژوهشگران قرار دهند (اطلاعات کامل در جدول۱ و ۲ آمده است)، سپس سؤالاتی که با نظارت و تأیید تیم پژوهش متناسب با موضوع مطالعه طراحی شده بودند به‌صورت باز ـ پاسخ از شرکت‌کنندگان پرسیده می‌شد. شایان ذکر است که محتوای سؤالات مطرح شده از متخصصان با والدین شرکت‌کننده تا حدودی متفاوت بود، چراکه سؤالات مطرح شده برای متخصصان روان‌شناسی و مذهبی بیشتر با تأکید بر دیدگاه علمی و تخصصی آنها بود؛ درحالی‌که چارچوب سؤالات ارائه شده برای والدین، با هدف بررسی تجارب آنها پرسیده می‌شد. نمونه‌ای از سؤالات مطرح شده برای متخصصان به شرح زیر بود:

- متناسب با دیدگاه علمی و تخصصی شما شیوه‌های مناسب فرزندپروری از منظر فرهنگ ایرانی ـ اسلامی کدام‌اند؟
- کدام شیوهٔ فرزندپروری از منظر فرهنگ ایرانی بیشتر مورد تأکید است؟

همچنین نمونه‌ای از سؤالات مطرح شده برای والدین به این صورت بود:

- با توجه به تجربیات شما از تربیت فرزندانتان کدام شیوهٔ فرزندپروری بیشتر مورد تأیید و پیشنهاد شماست؟
- به نظر شما کدام روش تربیتی موجب سلامت فرزندان می‌شود؟

از این رو، مصاحبه‌ها تا زمان به اشباع رسیدن مقوله‌ها و تا جایی که نیاز به اطلاعات بیشتر برای تبیین نبود، ادامه پیدا کرد. گفتنی است که در طول زمان مصاحبه با کسب اجازه از شرکت‌کنندگان جلسات مصاحبه ضبط می‌شد و بعد از انجام هر مصاحبه بلافاصله پیاده‌سازی انجام می‌شد. از آنجایی‌که شیوهٔ تجزیه و تحلیل در مطالعهٔ حاضر، تحلیل محتوا به روش نهفته بود و آغاز تحلیل داده‌ها با اولین مصاحبه شروع می‌شد، همگام با انجام مصاحبه‌ها تحلیل داده‌ها نیز انجام می‌گرفت. بنابراین پس از پیاده‌سازی، چندین بار محتوا بررسی می‌شد تا پژوهشگر به درک کلی از محتوا دست یابد. در

مراحل ابتدایی کدها انسجام کمتری داشتند، ولی به‌تدریج از انسجام بیشتری برخوردار شدند. داده‌های برگرفته از مصاحبه‌ها در مجموع بعد از حذف و همسان‌سازی کدهای مشابه و تکراری، منجر به کشف ۱۵۷ کد اولیه (کد باز)، ۱۵ زیرطبقه و ۶ طبقهٔ اصلی شد. شایان ذکر است که نحوهٔ شکل‌گیری هریک از زیرطبقات و طبقات اصلی، به‌این‌صورت بود که در گام نخست، مفاهیمی که نقاط مشابهی داشتند در کنار یکدیگر قرار داده می‌شدند و یک طبقه را تشکیل می‌دادند. در گام بعدی، عنوان ابتدایی متناسب با مشخصه‌های آنها انتخاب و با افزایش تعداد طبقات، طبقات مشابه در یک طبقه کلی‌تر جای می‌گرفتند و در پایان متناسب با جنبه‌های مشترک طبقات اصلی، درون‌مایهٔ نهایی آن طبقات، حاصل می‌شد. در جدول ۱ اطلاعات مربوط به مصاحبه‌شوندگان به ترتیب جامعهٔ هدف آمده است.

جدول ۱. مشخصات جمعیت‌شناختی متخصصان روان‌شناسی و کارشناسان مذهبی

جامعه هدف	جنسیت	سن (سال)	سابقه کار (سال)	مدرک تحصیلی	زمینه تخصصی	هیئت علمی / غیر هیئت علمی	شهر محل سکونت
متخصصان روان‌شناسی خانواده	مرد	۵۱	۱۷	دکتری تخصصی	روان‌شناسی خانواده	غیر هیئت علمی	تهران
	زن	۳۸	۱۱	دکتری تخصصی	روان‌شناسی خانواده	غیر هیئت علمی	زاهدان
	مرد	۴۷	۱۵	دکتری تخصصی	مشاوره خانواده	هیئت علمی	تهران
	مرد	۶۵	۳۳	دکتری تخصصی	روان‌شناسی تربیتی	هیئت علمی	اهواز
	مرد	۴۶	۲۰	دکتری تخصصی	مشاوره خانواده	هیئت علمی	تهران
	زن	۴۹	۱۸	دکتری تخصصی	روان‌شناسی تربیتی	هیئت علمی	کرمانشاه
	زن	۵۴	۲۴	دکتری تخصصی	روان‌شناسی خانواده	غیر هیئت علمی	سمنان
کارشناسان مذهبی	مرد	۶۲	۳۰	تحصیلات حوزوی	مشاوره خانواده	غیر هیئت علمی	مشهد
	مرد	۶۶	۳۸	تحصیلات حوزوی	مشاوره خانواده	غیر هیئت علمی	مشهد
	زن	۵۶	۲۸	تحصیلات حوزوی	علوم تربیتی	غیر هیئت علمی	اصفهان
	مرد	۶۴	۱۹	تحصیلات دانشگاهی و حوزوی	علوم تربیتی	هیئت علمی	قم
	مرد	۴۷	۱۵	تحصیلات حوزوی	علوم تربیتی	غیر هیئت علمی	شیراز
	مرد	۳۸	۱۰	تحصیلات دانشگاهی و حوزوی	علوم تربیتی	هیئت علمی	قم

جدول ۲. مشخصات جمعیت‌شناختی والدین شرکت‌کننده در مصاحبه

	جنسیت	سن (سال)	تحصیلات	تعداد فرزند	شغل
والدین شرکت‌کننده	زن	۴۱	دیپلم	۳	خانه‌دار
	زن	۳۵	کارشناسی	۲	کارمند
	زن	۲۸	کارشناسی	۲	خانه‌دار
	مرد	۴۹	کارشناسی ارشد	۳	کارمند
	زن	۵۳	فوق‌دیپلم	۴	کارمند
	مرد	۶۱	کارشناسی	۲	کارمند
	مرد	۳۸	دیپلم	۲	آزاد
	زن	۴۴	کارشناسی	۴	خانه‌دار

یافته‌ها

در جدول ۳ نتایج تحلیل محتوای کیفی مربوط به پژوهش حاضر آمده است. شایان ذکر است که یافته‌ها از مصاحبه با کارشناسان مذهبی، متخصصان روان‌شناسی و والدین ایرانی به‌دست آمده است. نحوۀ استخراج داده‌ها به‌این شرح بود که در آغاز، ۱۳ مصاحبه با متخصصان روان‌شناسی و کارشناسان مذهبی و نیز ۸ مصاحبه با والدین انجام شد (در مجموع ۲۱ مصاحبه)، بعد از حذف و همسان‌سازی کدهای مشابه و تکراری ۱۵۷ کد باز، ۱۵ زیرطبقه و ۶ طبقه اصلی در این بخش به‌دست آمد. جدول ۳ اطلاعات مربوط به هرکدام را نشان می‌دهد.

جدول ۳. خلاصه‌ای از کدهای اولیه به همراه زیرطبقات و طبقات اصلی

کدهای اولیه	زیر طبقات	طبقات اصلی
● درک مشکلات فرزندان ● ارزیابی دقیق از مسائل فرزندان خود	شناخت درست از فرزند	فرزندپروری مبتنی بر صمیمیت و درک‌پذیری
● خود را جای دیگری (فرزند) قرار دادن ● گوش دادن به حرف‌ها	همدلی کردن با فرزند	

جدول ۳. (ادامه)

کدهای اولیه	زیر طبقات	طبقات اصلی
● شناخت و پذیرش نقاط ضعف و قوت فرزند ● پذیرش انتقاد از طرف فرزند	**پذیرش منطقی فرزند**	**فرزندپروری مهرورزانه**
● احترام به ایده‌ها و نظرات فرزند ● احترام به انتخاب‌های آگاهانه فرزندان	**احترام به فرزند**	
● در آغوش گرفتن فرزند و بوسیدن او ● لبخند زدن و عشق ورزیدن	**محبت به فرزند**	
● تأمین احتیاجات ضروری فرزند ● تأمین مالی فرزند	**حمایت مادی از فرزند**	**فرزندپروری مبتنی بر همراهی و حمایت**
● در مواقع سختی پشت فرزند خود بودن ● دادن روحیه، انگیزه و ... به فرزند	**حمایت معنوی از فرزند**	
● برخورد منطقی با کنجکاوی‌های ذهنی کودک ● درک تغییرات خلق و خوی فرزند و برخورد مناسب با آن	**رشد ذهنی و روانی**	**فرزندپروری مبتنی بر شناخت رشد فرزندان**
● توجه به تغییرات فیزیولوژی فرزند ● برآورده کردن به موقع نیازهای جسمانی	**رشد جسمی و فیزیکی**	
● تجربه بزرگ‌ترهای خانواده می‌تواند کمک کننده باشد ● حکایت بزرگان دینی و اخلاقی و درس گرفتن از آن‌ها در برخی زمینه‌ها	**کمک گرفتن از تجربه بزرگ‌ترها**	**داشتن برنامه‌های باثبات و معقول در تربیت کودک**
● مطالعه و بررسی علوم دینی مرتبط با فرزندپروری ● کمک گرفتن از مشاوران مذهبی خانواده و حوزهٔ فرزندپروری	**کمک گرفتن از منابع دینی و اخلاقی**	
● مطالعهٔ علوم روز در مورد شیوهٔ درست فرزندپروری ● جستجوی مقالات و کتاب‌های مرتبط با شیوهٔ درست فرزندپروری	**کمک گرفتن از علم روز**	
● آموزش مهارت‌های خودشناسی از اوایل کودکی ● آشناکردن فرزند با هدف‌گذاری برای خویشتن خود	**سوق دادن به سمت شناخت واقعی خود**	**فرزندپروری مبتنی بر تربیت و آموزش معنوی**
● آگاه کردن کودک به اینکه او چقدر محبوب خدا است ● ارائهٔ تمثیل‌های منطقی برای درک درست کودک از پروردگار خویش ● آموزش عبادت و شکرگزاری از نعمت‌های خداوند	**سوق دادن به سمت شناخت خدا**	
● آموزش مهارت‌هایی که به درک درست فرزند نسبت به دنیای پیرامون خود می‌انجامد ● آموزش اینکه رفتارهای ما چقدر می‌تواند بر رفتار دیگران و بازخورد آنها نسبت به ما تأثیر بگذارند	**سوق دادن به سمت شناخت حقایق دنیا**	

بر اساس جدول ۳، طبقات اصلی به‌دست آمده از تحلیل مصاحبه‌ها عبارت‌اند از:

۱) **فرزندپروری مبتنی بر صمیمیت و درک‌پذیری:** نتایج پژوهش‌های مختلف حاکی ازآن است که هرچقدر شیوهٔ تربیت و فرزندپروری والدین بر صمیمیت و تعامل همراه با درک‌پذیری فرزندانشان استوار باشد، به همان اندازه سلامت روان‌شناختی آنها را در مسیر رشد تسهیل می‌کند (وایسکرچ[1]، ۲۰۱۸؛ خواجه‌ای، ۲۰۱۶). کودکان این والدین، فعال، دارای اعتماد به نفس، استقلال رأی، واقع‌گرا، باکفایت و خشنود توصیف شده‌اند. **شرکت‌کنندهٔ شماره ۳ (متخصص روان‌شناسی خانواده):** *«هر کجا که والدین نسبت به مسائل فرزندانشان شناخت بیشتری دارند، یعنی احساسات و مشکلات آنها را درک می‌کنند و خود را جای فرزندشان قرار می‌دهند، آنجاست که درک‌پذیری درست فرزندان اتفاق می افتد».* **شرکت‌کنندهٔ شمارهٔ ۸ (از والدین شرکت‌کننده):** *«می‌بینم والدینی که هنگام مواجه شدن فرزندانشان با مشکلات و سختی‌ها با آنها همدلی می‌کنند، این مسئله خیلی مهم و ارزشمند می‌تونه باشه و اون درک‌پذیری رو به همراه داشته باشه».*

۲) **فرزندپروری مهرورزانه:** والدینی که در ارتباط با فرزندان خود به شیوهٔ محبت‌آمیز و مهرورزانه و همراه با احترام برخورد می‌کنند و در ابراز محبت، علاقه و مهربانی با آنها کوتاهی نمی‌کنند. در واقع حقوق ویژهٔ خود را به عنوان یک بزرگسال (والد) می‌شناسند و به علائق فردی و ویژگی‌های خاص کودک خود نیز آگاهی دارند، این دسته از والدین با چنین شیوهٔ تربیتی، سهمی مهم در شکل‌گیری شخصیت سالم کودک خود ایفا خواهند کرد. در این رابطه **شرکت‌کنندهٔ شمارهٔ ۸ (کارشناس مذهبی)** می‌گوید: *«در مبانی دینی بسیار بر احترام به فرزندان تأکید شده و عشق ورزیدن و محبت به کودکان از توصیه‌های اساسی معصومین و بزرگان دینی ما است».* **شرکت‌کنندهٔ شمارهٔ ۲ (از والدین شرکت‌کننده):** *«من احساس می‌کنم که ما بزرگ‌ترها هر اندازه فرزندانمان را بشناسیم، نقاط ضعف و قوتشان را درک کنیم و بپذیریم آنها را و به آنها احترام بگذاریم و حتی انتقاداتشون را گاهی بپذیریم به شکل بهتری می‌توانیم با آنها ارتباط بگیریم و به دنبالش روش‌های تربیتی مناسبی را برای پرورش آنها اتخاذ نماییم».*

۳) **فرزندپروری مبتنی بر همراهی و حمایت:** فرزندپروری مبتنی بر همراهی و حمایت، در واقع نشانگر رفتار والدینی مقتدر و توانمند است. والدینی که به علائق فرزندان خود به شیوه‌ای حمایتگرانه پاسخ می‌دهند و برای خصوصیات منحصربه‌فرد آنها ارزش قائل هستند، در آینده احساس امنیت و ارزشمندی را در فرزندانشان افزایش خواهند داد. در این رابطه **شرکت‌کنندهٔ شمارهٔ ۶ (روانشناس تربیتی)** می‌گوید: *«گاهی به اشتباه، والدین فکر می‌کنند که اگر احتیاجات مادی و نیازهای فرزندشون را با پول و در اختیار قرار دادن امکانات رفاهی فراهم کنند کافیه دیگه، ولی در اصل بایستی بدونند که نیاز به حمایت صرفاً با حمایت مادی تمام نمی‌شود،*

1. Weisskirch

بلکه حمایت عاطفی و حمایت انگیزشـــی و ... بیشتر مورد توجه است». **شرکت‌کنندهٔ شمارهٔ ۵ (از والدین شـــرکت‌کننده):** *«یک پدر و مادر خوب آنهایی هستند که ضمن اینکه برای تأمین نیازهای مادی و مالی فرزندشـــان تلاش کنند، بلکه همواره در مواقع دشواری‌ها پشت فرزندانشون باشند و از آنها حمایت کنند».*

۴) **فرزندپروری مبتنی بر شناخت رشـــد فرزندان:** هر انـــدازه والدین نسبت به تغییرات رشد کودکشان اطلاع دقیق‌تری داشته باشند، به همان اندازه بهتر می‌توانند آنها را تربیت کنند. در واقع در اینجا منظور از شناخت رشد فرزندان، صرفاً یکی از نیازهای فیزیولوژیکی یا روان‌شناختی به‌تنهایی نیســـت، بلکه هر دوی این نیازها ارزشمند است که ضروریست به هر دوی آنها توجه ویژه‌ای شود. دراین رابطه **شرکت‌کنندهٔ شمارهٔ ۹ (کارشناس مذهبی)** می‌گوید: *«برخورد منعطفانه، منطقی همراه صعهٔ صدر با درگیری‌های ذهنی کودک کار شایسته و پسندیده‌ای است که بزرگان دینی بر آن تأکید دارند، ضمن اینکه توجه به نیازهای زیستی و فیزیولوژیک کودکان در طول مسیر رشدی نیز الزامی و حیاتی است».* **شرکت‌کنندهٔ شمارهٔ ۴ (از والدین شرکت کننده):** *«من مدام در پرورش و تربیت فرزندانم هم به رشـــد فیزیکی و سلامت جسمانی آنها توجه دارم و هم سلامت روحی و روانی آنها، چون احساس می‌کنم این دو از همدیگه جدا نیستند و بر همدیگر تأثیر می‌گذارند».*

۵) **داشـــتن برنامه‌های باثبات و معقول در تربیت کودک:** منظور از داشتن برنامه‌های باثبات و معقول در تربیت فرزندان درواقع اتخاذ شـــیوهٔ تربیتی مناســـب در طول زمان برای پرورش فرزندان است، شیوه‌ای که مرتب دستخوش تغییرات گسترده نشود و به نوعی ثبات هدفمندی داشته باشد. در این‌رابطـــه **شرکت‌کنندهٔ شمارهٔ ۲ (روانشناس خانواده)** می‌گوید: *«طبق اصول پرورشی در تربیت کـــودکان، عدم ثبات تربیتی والدین می‌تواند برای کودکان گیج کننده باشـــد، بنابراین والدین بهتر اســـت جهت رسیدن به این ثبات از علوم روز همچون مسائل مرتبط با روان‌شناسی خانواده در قالب کتب و مقالات و ســـایر ابزارهای مناسب تربیتی بهره‌مند شوند».* **شرکت‌کنندهٔ شمارهٔ ۶ (از والدین شـــرکت‌کننده):** *«تجربهٔ من نشان داده که هر چقدر والدین تلاش کنند خودشون را از لحاظ علمی درجهت تربیت فرزندانشون به‌روز نگاه دارند، بهتر می‌توانند فرزندانشان را درک کنند، بهتره والدین از نظر مشاوران، متخصصان مذهبی و تربیتی و حتی بزرگ‌ترها جهت تربیت فرزندانشان بهره‌مند شوند».*

۶) **فرزندپروری مبتنی بر تربیت و آموزش معنوی:** در راســـتای فرزندپروری مبتنی بر تربیت و آموزش معنوی، مطالعات مختلفی انجام گرفته اســـت که نتایج حاکی از نقش ارزشمند آموزه‌های معنوی در شـــیوهٔ مناســـب فرزندپروری اســـت (همجا[1] و همکاران، ۲۰۲۰؛ بن‌ســـعید[2]، ۲۰۲۱). **شرکت‌کنندهٔ شـــمارهٔ ۱۱ (کارشناس مذهبی):** *«پرورش فرزندان با در نظر گرفتن آگاهی‌بخشی*

1. Hamjah
2. Bensaid

آنها نسبت به خود، خداوند متعال و دنیای پیرامون قابل ارزشگذاری است، هر چقدر والدین سعی کنند فرزندانشـــان ضمن شناخت خود و محیط اطرافشـــان، خالق برتر خویش را نیز به درستی و باتمام وجود درک کنند، آنموقع ســـلامت روان‌شـــناختی بهتر و شخصیت سالم‌تری را در آنها پرورش داده‌اند». **شرکت‌کنندهٔ شمارهٔ ۱ (از والدین شرکت‌کننده):** *«والدین ضمن اینکه بایستی فرزندانشـــان را نسبت به واقعیت‌های دنیای اطراف آگاه کنند، صد البته بایستی آنها را نسبت به خالق خود آشنا سازند».*

شواهد استحکام یافته‌ها

در مورد میزان هماهنگی زیرطبقات و طبقات اصلی با موضوع مورد هدف، متخصصان صاحب‌نظر پس‌خوراند لازم را در ارتباط با طبقه‌بندی ارائه دادند و مطابق با نظر لینکلن[1] و گوبا[2] (۱۹۸۵) از ۴ معیار قابلیت اعتبار[3]، قابلیت ثبات[4]، قابلیت انتقال‌پذیری[5] و تأییدپذیری[6] استفاده شد. جهت کسب قابلیت اعتبار تلاش شد تا شرکت‌کنندگان با حداکثر تنوع تجربیات، متناسب با موضوع مورد مطالعه انتخاب شوند و نمونه‌گیری تا رسیدن یافته‌ها به اشباع ادامه یافت. در این پژوهش، پس از پیاده‌سازی مصاحبه‌ها، متن مصاحبه به شرکت‌کنندگان ارائه شد و از آنها خواسته شد در صورت داشتن هرگونه مغایرت، مراتب مورد توجه و بررسی قرار گیرد. همچنین در آخر، متن کامل همهٔ مصاحبه‌ها همراه با کدگذاری و طبقات اولیه به ۲ نفر از متخصصان ارسال شد و از نظرات تأییدی و تکمیلی آنها در همهٔ مراحل کار برای پیاده‌سازی، کدگذاری و استخراج طبقات اولیه استفاده شد. برای سنجش قابلیت ثبات و اطمینان تلاش شد تا میزان پایداری یافته‌ها در طول زمان و شرایط متفاوت بررسی شود. برای دستیابی به این کار تلاش شد از طولانی شدن زمان گردآوری داده‌ها (انجام مصاحبه‌ها) تا حد امکان خودداری شود و از همهٔ مشارکت‌کنندگان نیز راجع به این موضوع نظرسنجی شود. همچنین از یک ناظر خارجی خواسته شد تا یافته‌ها را به‌دقت بررسی کند. قابلیت انتقال‌پذیری به این نکته اشاره دارد که آیا نتایج یک مطالعهٔ کیفی می‌تواند به یک محیط متفاوت دیگر نیز منتقل شود؟ اگر چه در پژوهش کیفی هدف تعمیم‌پذیری نیست، اما قابلیت انتقال‌پذیری یافته‌ها می‌تواند به استحکام و موثق بودن آنها کمک کند. جهت دست‌یابی به‌این کار، پژوهشگر پس از پایان مصاحبه‌ها، با چند متخصص دیگر غیر از شرکت‌کنندگان اولیه مصاحبه انجام داد اما اطلاعات جدیدی که نیاز به اصلاح باشد به‌دست نیامد. همچنین از آنجایی‌که تلاش شده بود شرکت‌کنندگان از لحاظ شرایط سنی و جنسیتی و محل سکونت دارای تنوع باشند، بنابراین این امکان

1. Lincoln
2. Guba
3. Validity
4. Stability
5. Transferability
6. Confirmability

به‌منظور انتقال‌پذیری در شرایط مشابه مهیا بود. تأییدپذیری، به عینیت کیفی گزارش طبیعت‌گرایانه کیفی اطلاق می‌شود. یعنی چقدر یافته‌های پژوهش عملاً و واقعاً مبتنی بر داده‌ها هستند. در این پژوهش تلاش شد تا با یادداشت‌کردن تمام بینش‌ها، اسناد، فایل‌های صوتی و توجه به جزئیات، اطلاعات کافی به‌طور مداوم ثبت و مستندسازی شود. همچنین محقق تلاش کرد تا از سوگیری‌های شخصی آگاه شود و آنها را در نتایج و تحلیل‌ها دخالت ندهد. علاوه بر این از روش بازنگری متخصصان نیز استفاده شد، به‌این صورت‌که کدهای استخراج شده در اختیار متخصصان قرار گرفت و از آنها خواسته شد در مورد مرتبط بودن و ضرورت آنها نظر بدهند.

بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر یک مطالعهٔ کیفی بود که با هدف بررسی شیوه‌های مناسب فرزندپروری در خانواده‌های ایرانی انجام شد. یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که چارچوب مناسب شیوه‌های فرزندپروری در خانواده‌های ایرانی شامل مؤلفه‌هایی از قبیل صمیمیت و درک‌پذیری، مهرورزی، حمایت و همراهی، شناخت و برنامه‌ریزی و تربیت معنوی فرزندان است. نتایج حاصل از پژوهش حاکی از آن است که تمامی عوامل شناسایی شده در این پژوهش به نوعی تأثیری مثبت بر تربیت فرزندان و سبک فرزندپروری بر جای خواهند گذاشت، زیرا در خانواده‌هایی که روابط بین اعضای آن از یک‌سو سرشار از صمیمیت، درک‌پذیری، ابراز محبت، شناخت و حمایت منطقی باشد و از سوی دیگر پرورش و تربیت فرزندان مبتنی بر چارچوب اخلاقی و آموزش مبانی معنوی و اعتقادی باشد شکل مناسب فرزندپروری ایجاد می‌شود که سلامت روان‌شناختی و اجتماعی فرزندان خانواده را تا حد بسیار زیادی تضمین خواهد کرد. نتایج حاضر به‌گونه‌ای همخوان و همسو با نتایج پژوهش‌های رشید و همکاران (۱۳۹۶)، چراغی و ابراهیمی (۱۳۹۷)، حسین‌زاده و همکاران (۱۴۰۰)، آکتار[1] و همکاران (۲۰۲۳) و فرکلاث[2] (۲۰۲۳) بود. همچنین باوجود بررسی پژوهشگران، پژوهشی یافت نشد که ناهمسو و متعارض با نتایج حاضر باشد.

در پژوهش حاضر، فرزندپروری مبتنی بر صمیمیت و درک‌پذیری، شیوه‌ای از فرزندپروری را شامل می‌شود که والدین ضمن تعامل سازنده با فرزندان خود، شرایط آنها را در موقعیت‌های مختلف درک می‌کنند و در وضعیت‌های دشوار زندگی به درستی در کنار آنها قرار می‌گیرند. کلیتون[3] (۲۰۱۴) در پژوهشی دریافت که صمیمیت در روابط و به ویژه پیوند والدین ـ کودک سبب احساس پذیرش و ارزشمندی نسبت به خود می‌شود و می‌تواند بر سلامت و رفاه کودکان تأثیر

1. Aktar
2. Faircloth
3. Clayton

مثبت بگذارد. او بر این باور است که توصیف صمیمیت می‌تواند در فرهنگ‌های گوناگون با یکدیگر متفاوت باشـــد، بنابراین جوامع گوناگون دیدگاه‌های متفاوتی در مورد نحوۀ نمایش صمیمیت بین والدین و فرزندان خواهند داشت.

همچنین منظور از فرزندپروری مهرورزانه، درواقع شکلی از فرزندپروری است که والدین تلاش می‌کنند به شـــیوۀ محبت‌آمیز و مهرورزانه و همراه با احترام با فرزندان خود رابطه داشته باشند و حقوق ویژۀ خود را به عنوان یک بزرگســـال (والد) بشناسند و به علائق فردی و ویژگی‌های خاص کودک آگاهی داشته باشند. این مهم اتفاق نمی‌افتد مگر اینکه در شرایط دشوار با آنها همراه باشند، آنها را حمایت کنند و به علائق فرزندان خود توجه و برای خصوصیات منحصربه‌فرد آنها ارزش قائل باشـــند. هاویند[1] (۲۰۱۱) بر این باور است که مراقبت، مهرورزی و دوست داشتن معقولانه والدین نســـبت به فرزندان موجب ارتقای سلامت روان‌شـــناختی در آنها می‌شود. در همین راستا ویترز[2] (۲۰۲۰) نیز تأکید دارد که هر چقدر والدین نســـبت به فرزندانشان مهرورزانه عشق بورزند به آنها در ادامه زندگی برای رسیدن به اهداف مهم و مطلوب کمک کرده‌اند.

نتایج پژوهش همچنین نشـــان داد که هر چقدر والدین نســـبت به تغییرات رشد کودکشان (چه تغییرات روانی، رفتاری، شـــناختی و چه تغییرات فیزیکی) اطلاع دقیق‌تری داشـــته باشند، بـــه همان انـــدازه بهتر می‌توانند آنها را تربیت کنند. ضمن اینکه لازم اســـت بـــر این مهم تأکید شـــود که توجه به تغییرات رشـــدی باید با در نظر داشتن برنامه‌های معقول و حساب شده همراه باشد نه بر اســـاس تصمیمات و قواعد نامعقول و غیرمنطقی. ســـاراچو[3] (۲۰۲۳) در این‌باره تأکید دارد که هر چقدر والدین نســـبت به تغییرات رشدی فرزندانشان اطلاعات دقیق‌تری داشته باشند، به همان اندازه می‌توانند آنها را برای زندگی مناسب‌تر در آینده تربیت کنند.

در آخر باید به این مهم توجه کرد که در فرهنگ ایرانی هرگاه از فرزندپروری سالم و مناسب ســـخن به میان آید، حتماً لازم اســـت به شـــیوۀ فرزندپروری مبتنی بر تربیت و آموزش معنوی توجهی ویژه شـــود که بخش بســـیار مهم و جدایی‌ناپذیری از فرهنگ ما اســـت. لازمۀ تربیت و پـــرورش فرزندان در فرهنگ ایرانی، نگاه ویژه به ارزش‌ها و باورهای معنوی اســـت که بدون توجه به آنها فرزندپروری مناسب، معنا و مفهومی نخواهد داشت. پراتیوینینگسی[4] و جاتمیکو[5] (۲۰۲۳) بر این عقیده تأکید دارند که تربیت همراه با معنویت از شاخص‌ترین ارکان پرورش مناسب فرزندان اســـت که در هر فرهنگی لازم است به آن توجه شـــود. ویلیامز[6] و همکاران (۲۰۱۹) در مطالعه‌ای

1. Haavind
2. Whitters
3. Saracho
4. Pratiwiningsih
5. Jatmiko
6. Williams

به‌این نتیجه دست یافتند که فرزندپروری مبتنی بر معنویت و اخلاق موجب سلامت روان‌شناختی در افراد می‌شود.

به‌طورکلی، نتایج پژوهش حاضر نشـــان داد که در سراسر جهان، فرهنگ نقشی تعیین‌کننده در چگونگی شـــیوه‌های فرزندپروری ایفا می‌کند (در همهٔ فرهنگ‌هـــا اعم از اروپایی، آمریکایی و آســـیایی). همچنین، فرهنگ ایرانی آمیخته‌ای از آداب و رسوم سنتی، ارزش‌ها، هنجارها، باورهای دینی و نیز الگوهای اخلاقی و معنوی اســـت که مضامین بســـیار ارزشمندی در آنها نهفته است. بنابراین مؤلفه‌هایی از قبیل صمیمیت و درک‌پذیری، مهرورزی، همراهی و حمایت، شناخت و مانند آن در تربیت و آموزش فرزندان نمایان است.

در پایان باید توجه داشـــت که نتایـــج پژوهش حاضر، با در نظر داشـــتن محدودیت‌های آن تفسیر شود. از جمله محدودیت‌های پژوهش این است که با توجه به نوع مطالعه (کیفی) و روش نمونه‌گیری هدفمند و تصادفی نبودن انتخاب اعضای نمونه، ممکن است تمام گروه‌های جامعه هدف مورد پوشش قرار نگرفته باشند. از طرفی، پیشنهاد می‌شود که برای درک بهتر رابطهٔ والد ـ فرزندی در جامعهٔ ایرانی از نتایج پژوهش حاضر در زمینه‌های مرتبط کمک گرفته شود. همچنین پیشنهاد می‌شود برنامهٔ آموزشی ـ درمانی با محتوای فرهنگی در زمینهٔ فرزندپروری طراحی و نیز ابزارهایی در این حوزه تدوین شود.

تشکر و قدردانی

از تمامی کسانی که ما را در انجام این پژوهش همراهی کردند کمال سپاس و قدردانی را داریم. قابل ذکر است که مقالهٔ حاضر برگرفته از قسمتی از طرح پسادکتری در راستای اجرای تفاهم‌نامه شماره ۵۹۶/ص/۱۴۰۱ مورخ ۱۴۰۱/۵/۲۶ با حمایت مالی بنیاد ملی نخبگان (طرح پسادکتری شهید دکتر چمران نخبگان) و صندوق حمایت از پژوهشگران و فناوران کشور (INSF) و دانشگاه فردوسی مشهد با شماره طرح ۴۰۱۴۳۴۹ مصوب کمیته تخصصی جلسه مورخ ۱۴۰۱/۱۲/۲۲ است.

تأییدیه اخلاقی

این مقاله با شناسه اخلاق IR.UM.REC.1402.108 مورد تأیید کمیته اخلاق دانشگاه فردوسی مشهد (دانشگاه مجری طرح) قرار گرفته است. همچنین در این پژوهش تلاش شده است که تمامی ملاک‌های روش‌شناسی تحقیق و اخلاق پژوهشی رعایت شود.

منابع و مآخذ

REFERENCES

پناغی، لیلی؛ زاده‌محمدی، علی؛ باقریان، فاطمه؛ پاکدامن، شـــهلا و محمدی، ســـمیه. (۱۳۹۵). جستجوی الگوهای سلامت خانواده ایرانی. *مجله خانواده‌پژوهی*، ۱۲(۲)، ۱۷۹-۱۹۶.

پورسمر، سیده لیلا؛ آزادفلاح، پرویز و فراهانی، حجت‌اله. (۱۳۹۸). مفهوم‌پردازی تنظیم هیجان در جمعیت زنان ایرانی: تحلیل کیفی مبتنی بر نظریه داده بنیاد. *مجله دست‌آوردهای روان‌شناختی*، ۲۶(۱)، ۵۹-۷۸.
https://doi.org/10.22055/psy.2019.28337.2262

چراغی، مونا و ابراهیمی، مریم. (۱۳۹۷). تحلیل روانشناختی رابطه والد-فرزندی در ضرب‌المثلهای ایرانی: یک پژوهش کیفی. *مجله خانواده‌پژوهی*، ۱۴(۳)، ۳۸۳-۴۱۰.

حسین‌زاده بندقیری، مهدی؛ سودانی، منصور و غلام‌زاده جفره، مریم. (۱۴۰۰). بررسی اثربخشی آموزش شیوه‌های فرزندپروری مبتنی بر فرهنگ اســـلامی برگرفته از آموزه‌های امام ســـجاد (ع) در زوجین. *فصلنامه سبک زندگی اسلامی با محوریت سلامت*، ۵ (۲) ، ۱۱-۲۲.

حلی‌ســـاز، مریم؛ مظاهری، محمدعلی؛ پناغی، لیلی و حســـنی، فریبا. (۱۳۹۴). ارزشهای فرزندپروری مادران کودکان ۳ تا ۵ ساله؛ مطالعه‌ای پدیدارشناسانه. *مجله راهبرد فرهنگ*، ۸(۲۹)، ۱۲۱-۱۴۸.

رشید، خسرو؛ حسینی اصل نظرلو، مریم؛ یعقوبی، ابوالقاسم و کردنوقابی، رسول. (۱۳۹۶). شناسایی مؤلفه‌های اساسی تربیت کودک بر اساس دیدگاه والدین ایرانی. *مجله خانواده‌پژوهی*، ۱۳(۲)، ۲۱۵-۲۳۶.

Aktar, R., Sugiura, Y., & Hiraishi, K. (2023). ‘They love me, they love me not’: An IRT-based investigation of the Child Parental Acceptance-Rejection Questionnaire with a Japanese sample 1. *Japanese Psychological Research, 65*(1), 21-36. https://doi.org/10.1111/jpr.12346

Bensaid, B. (2021). An overview of Muslim spiritual parenting. *Religions, 12*(12), 1057.

Bornstein, M. H. (1991). Approaches to parenting in culture. In M. H. Bornstein (Ed.) *Cultural approaches to parenting* (pp. 3-19). Psychology Press.

Bornstein, M. H. (2012). Cultural approaches to parenting. *Parenting: Science and Practice, 12*(2-3), 212-221. https://doi.org/10.1080/15295192.2012.683359

Clayton, C. L. (2014). ‘With my parents I can tell them anything’: Intimacy levels within British Chinese families. *International Journal of Adolescence and Youth, 19*(1), 22-36. https://doi.org/10.1080/02673843.2014.884007

Crockett, L. J., Veed, G. J., & Russell, S. T. (2010). Do measures of parenting have the same meaning for European, Chinese, and Filipino American adolescents? Tests of measurement equivalence. In S. T. Russell, L. J. Crockett, & R. K. Chao (Eds.), *Asian American parenting and parent–adolescent relationships* (pp. 17-35). Springer Science + Business Media. https://doi.org/10.1007/978-1-4419-5728-3_2

Faircloth, C. (2023). Intensive parenting and the expansion of parenting. In E. Lee, J. Bristow, C. Faircloth, & J. Macvarish, (Eds.), *Parenting culture studies* (pp. 33-67). Cham: Springer International Publishing.

Haavind, H. (2011). Loving and caring for small children: Contested issues for everyday practices. *Nordic Psychology, 63*(2), 24-48. https://doi.org/10.1027/1901-2276/a000031

Hamjah, S. H., Zur Raffar, I. N. A., Rahman, Z. A., & Rasit, R. M. (2020). Applying spiritual aspect of parenting skills to adolescents in the family. *Afkar: Jurnal Akidah & Pemikiran Islam, 22*(2), 313-346.

He, H., Usami, S., Rikimaru, Y., & Jiang, L. (2021). Cultural roots of parenting: Mothers’ parental

social cognitions and practices from western US and Shanghai/China. *Frontiers in Psychology, 12,* Article 565040. https://doi.org/10.3389/fpsyg.2021.565040

Hong, J. S., Kim, D. H., deLara, E. W., Wei, H. S., Prisner, A., & Alexander, N. B. (2021). Parenting style and bullying and victimization: Comparing foreign-born Asian, US-born Asian, and White American adolescents. *Journal of Family Violence, 36*(7), 799-811. https://doi.org/10.1007/s10896-020-00176-y

Khajehei, M. (2016). Parenting challenges and parents' intimate relationships. *Journal of Human Behavior in the Social Environment, 26*(5), 447-451. https://doi.org/10.1080/10911359.2015.1083509

Krippendorff, K. (2004). *Content analysis: An introduction to its methodology.* Thousand Oaks, California: Sage Publications Inc.

Lee, E., Bristow, J., Faircloth, C., & Macvarish, J. (2023). *Parenting culture studies.* Springer Nature.

Lincoln, Y. S., & Guba, E. G. (1985). *Naturalistic inquiry.* Sage.

Novianti, R., Suarman, N. & Islami, N. (2023). Parenting in cultural perspective. *Journal of Ethnic and Cultural Studies, 10*(1), 22-44.

Pratiwiningsih, T., Jatmiko, N., & Tinambunan, E. R. L. (2023). Spiritual parenting for broken-home children. *Mysterium Fidei: Journal of Asian Empirical Theology, 1*(1), 45-54.

Russell, S. T., Crockett, L. J., & Chao, R. K. (2010). Introduction: Asian American parenting and parent-adolescent relationships. In S. T. Russell, L. J. Crockett, & R. K. Chao (Eds.), *Asian American parenting and parent–adolescent relationships* (pp. 1–15). Springer Science + Business Media. https://doi.org/10.1007/978-1-4419-5728-3_1

Saracho, O. N. (2023). Theories of child development and their impact on early childhood education and care. *Early Childhood Education Journal, 51*(1), 15–30. https://doi.org/10.1007/s10643-021-01271-5

Weisskirch, R. S. (2018). Psychosocial intimacy, relationships with parents, and well-being among emerging adults. *Journal of Child and Family Studies, 27*(11), 3497-3505. https://doi.org/10.1007/s10826-018-1171-8

Whitters, H. G. (2020). Let love liberate our children to learn. *Scottish Journal of Residential Child Care, 19*(2).

Williams, P. D., Hunter, W. M., Seyer, E., Sammut, S., & Breuninger, M. M. (2019). Religious/spiritual struggles and perceived parenting style in a religious college-aged sample. *Mental Health, Religion & Culture, 22*(5), 500-516. https://doi.org/10.1080/13674676.2019.1629402

Zhang, W., Wei, X., Ji, L., Chen, L., & Deater-Deckard, K. (2017). Reconsidering parenting in Chinese culture: Subtypes, stability, and change of maternal parenting style during early adolescence. *Journal of Youth and Adolescence, 46*(5), 1117-1136.

Quarterly Journal of
Family and Research

A Qualitative Study of Appropriate Parenting Styles within the Iranian Culture

■ P. Hatamian, Ph.D.[1*] ■ K. Rasoulzadeh Tabatabaee, Ph.D.[2]

Abstract

It is now widely accepted among family specialists that parenting is profoundly influenced by cultural contexts. Most parenting theories emphasize the critical role of socio-cultural factors in child-rearing practices. Given the importance of this issue, the present study aimed to qualitatively analyze desirable parenting styles within Iranian families. This qualitative study employed a latent content analysis method conducted in 2023. The target population consisted of 7 psychologists, 6 religious experts, and 8 Iranian parents (N=21). Purposive sampling was utilized, and semi-structured interviews were conducted until theoretical saturation was reached. Data analysis led to the identification of 6 main categories and 15 subcategories. The main categories include: parenting based on intimacy and understanding, affection, companionship and support, knowledge of child development, maintaining a consistent routine, and spiritual education. The findings of this study provide a suitable framework for addressing existing cultural gaps in parenting from the perspectives of both Iranian specialists and families.

Keywords: **Family, parenting styles, Iranian culture**

Date received: Jan. 24, 2024 **Date accepted:** May 25, 2024

1. Assistant Professor, Department of Psychology, Faculty of Literature and Humanities, Lorestan University, Korramabad, Iran (Corresponding Author).
E-mail: hatamian.p@lu.ac.ir

2. Professor, Department of Psychology, Faculty of Psychology and Education, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran.